

مصطفی عباسی مقدم



۲

نقش الگوها در تربیت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
پرتال جامع علوم انسانی

تقلید

که بسیاری از اوقات، رفتاری را به دلیل این که از فلان همبازی یا همکلاسی اش دیده، انجام می دهد و بالاخره نوجوان یا جوانی را می بینید که با اهتمام زیاد خود را به هیئت فلان دانشمند یا قهرمان ویا هنرپیشه درمی آورد.

اینها و هزاران نمونه دیگر، همگی جلوه‌هایی از تقلید در انسان هستند که در این مقاله سعی داریم پیرامون ماهیت و مراحل آن و نیز دیدگاههای گوناگون در این باره به بررسی بپردازیم.

بارها مشاهده کرده‌اید که کودکی به پیروی از پدر یا مادرش، که در حال نماز خواندن و یا کار دیگری است، حرکاتی را انجام می دهد. دیده‌اید که کودکان پس از تماشای یک فیلم ورزشی یا سینمایی به تکرار مشاهداتش می پردازد و تمام سعی خود را برای انجام بهتر و دقیقتر آن به کار می برد. توجه کرده‌اید که چگونه همانند مادری مهربان به مراقبت از عروسکش می پردازد. همچنین ملاحظه کرده‌اید

تقلید چیست :

تقلید یکی از جنبه‌های روابط انسانی به شمار می‌رود که طی آن یک فرد پس از ادراک و دریافت رفتار یا حالتی از فرد دیگر، آن را تکرار می‌کند. در تعریف تقلید گفته‌اند :

" imitation " تقلید عبارتست از: تولید مجدد و فعال کیفیات و خصوصیات ادراک شده موجود دیگر. " (۱)

قسمت عمده یادگیریهای انسان از طریق تقلید صورت می‌گیرد. از این رو تمام افراد اعم از کودک، جوان، میانسال و بزرگسال با تقلید سروکار دارند. کودک در تمام زمینه‌ها، از سخن گفتن و آداب زندگی، معاشرت تا عقاید و افکارش را غالباً از پدر و مادر و سایر اطرافیان فرا می‌گیرد. ذهن کودک چون آینمای شفاف هر رفتار و برخوردی را در خود منعکس می‌نماید. مادر، پدر و هر یک از اطرافیان کودک می‌توانند با رفتارهای نیکوی خود خصلتهای صداقت، امانتداری، وفای به عهد و حق جویی را در وجود او پرورش دهند و یا با رفتارهای ناپسند و انحراف آمیز موجب کج رفتاری و انحراف شخصیت وی شوند.

تبعیت و تقلید کودک از والدین همه جوانب زندگی را شامل می‌گردد، از تقلید زبانی صرف و سعی در آدای کلمات به همان طریق که مادر او می‌کند گرفته تا آداب معاشرت، نحوه غذا خوردن، برخورد با دیگران، اندیشه‌ها و تمایلات، همگی متأثر از رفتارهای آنان است.

از دیدگاه جامعه‌شناسی :

آن گاه که از دریچه روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی به تقلید نظر افکنیم، روشن می‌-

گردد که تقلید، مجرای آموزشهایی است که فرد از جامعه فرامی‌گیرد. مطابق تحقیقات و بررسیهای دانشمندان علوم اجتماعی " تقلید یک واقعۀ اساسی اجتماعی است و قوانینی وجود دارد که طبیعت و اثر تقلید را تشریح و توصیف می‌کند. تحول اجتماعی نیز از همین جهت ممکن است که افراد از آنچه تازه و خیره‌کننده است تقلید می‌کنند. خلاصه جامعه بدون تقلید قابل تصور نیست. " (۲)

دیدگاه فوق که در مورد تأثیر پذیری افراد از جامعه بیش از هر چیز به عامل تقلید اهمیت می‌دهد، در برابر دیدگاهی قرار دارد که تأثیر جامعه را بفرورد، قهری و جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری انسان را امری غیر ارادی می‌شمرد. " دورکیم " درآئین معتقدان به این نظریه قرار دارد که برای فرد، تنها به عنوان " عضو جامعه " موجودیت فائل است. اما مطالعات و تحقیقات روان‌شناسان ثابت کرده است که تأثیر جامعه در فرد، جبری و قهری نیست و تقلید تنها یکی از عوامل جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری است. بنابراین ما نیز برآنیم که فرد محکوم و مقهور جامعه نیست که هر چه جو حاکم بر جامعه اقتضا کند بدان گردن نهد و مقلد بی‌چون و چرا باشد؛ بلکه این قدرت را دارد که در برابر بسیاری از جریاناتی که در جامعه می‌گذرد مقاومت ورزد. (۳)

همچنین تقلید یکی از عوامل برجسته جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری است. جامعه‌پذیری عبارتست از روند اجتماعی شدن انسان و آشنایی با آداب، رسوم، سنتها و ارزشهای جامعه و پذیرش آنها، که پس از طی مراحل از رشد صورت می‌گیرد. انطباق و سازگارشدن با سازمانها، نهادها، هنجارها و

روابط گوناگون آنها جامعه پذیری انسان رامکن می سازد. در این انطباق و فرهنگ پذیری تقلید بیش از هر عامل دیگری به چشم می خورد. تبعیت از عقاید جامعه، عمل بر طبق ارزشها و رعایت هنجارها، جلوه هایی از تقلید در خدمت فرهنگ پذیری هستند.

فرد در روند جامعه پذیری با مشاهده رفتارها برخورد ها و حالات افراد جامعه که هر یک دارای جایگاه و نقش اجتماعی ویژه هستند هنجارها و رفتارهای مطلوب و شیوه زندگی شایسته را می آموزد و نیز حالات و رفتارهایی را که جامعه پذیرای آنها نیست، به عنوان پسندیده های ناپهناج و ضد ارزش می شناسد تا از آنها احتراز نماید.

با این همه به نظر می رسد که هر چند بسیاری از تقلیدها، بلکه اکثر آنها عاری از جنبه غریزی است، اما باید ریشه و اساس تقلید را غریزی دانست، بدین معنی که آنچه از ابتدای زندگی به عنوان سرشت تقلید در نهاد کودک وجود دارد، نوعی غریزه است، اما بتدریج جنبه عقلانی و انسانی می یابد. بنابراین تقلیدهای دوران پس از کودکی غریزی نیستند. نکته حایز اهمیت در این باره آنست که ملاک تمیز عقلانی یا غریزی بودن تقلید را می توان در نوع بهره ای که کودک (ویا هر مقلد) از تقلید می گیرد جستجو نمود. آن جا که تقلید دارای جنبه غریزی است، مقلد به نوعی التذاذ غریزی دست می یابد، بدون آن که از پیش هدفی مشخص و مفید را مدنظر قرار داده باشد. اما در تقلیدی که جنبه عقلانی دارد، بهره مقلد، رسیدن به هدفی مشخص و از پیش تعیین شده است که قبل از تقلید نیل به آن را از طریق تقلید میسر دانسته است.

دیدگاه دیگر درباره تقلید، نظریه "فین

دیدگاهها، پیرامون ماهیت تقلید: درباره ماهیت تقلید دیدگاههای متعددی وجود دارد که به چند مورد اشاره می کنیم. از نظر روان شناسی قدیم، تقلید یکی از غرایز اساسی دانسته شده است و دیدگاه غریزی اولین نظریه پیرامون ماهیت تقلید محسوب می شود. بیشتر روان شناسان آغاز قرن حاضر و آنهایی که در چهارچوب روان شناسی کلاسیک کار کرده اند تقلید را هم مانند هر مسئله دیگر روانی، یک مسئله غریزی می دانند. (۴) "ویلیام جیمز" و "بالدوین" از جمله این دانشمندان هستند.

آیا تقلید غریزی است؟

مطابق بررسیهای جدید، بسیاری از روان شناسان معتقدند تقلید امری غریزی و ذاتی نیست که همچون امور غریزی دیگر از ابتدا تا انتهای حیات ملازم انسان بوده باشد. از دیدگاه این گروه، وقتی که مسائل مربوط به تقلید

سه دوره صورت می گیرد (۷). این مراحل و دورهها عبارتند از:

دوره اول، از تولد تا دوسالگی:

در این دوره که خود چند مرحله مشخص را در بردارد، روند تقلید، حسی - حرکتی است و از تجسم و تعقل اثری وجود ندارد. مراحل این دوره عبارتند از:

۱ - مرحله بازتابی که در آن مقدمات تقلید در اثر بازتاب و انعکاس رفتار دیگران فراهم می گردد.

۲ - مرحله بازتاب شرطی در مورد تقلید صداها و برخی از حرکات

۳ - تقلید منظم صداها و مربوط به کودک و فعالیتهای دیگر

۴ - مرحله تقلید حرکات نامرئی که کودک با داشتن یک نشانه محسوس قادر است از یک الگو تقلید کند.

۵ - مرحله پیشرفته تقلید حرکات نامرئی به شکل نظامدار.

۶ - مرحله تقلید متفاوت، که به معنی تقلید در غیاب الگو بروز می کند. یعنی بتدریج فرایند ذهنی کودک به مرحلهای از تحول می رسد که می تواند قدری از روند حسی - حرکتی جدا شود و طرحهایی را برای خود مجسم کند. در حقیقت این مرحله بزخشی است میان دوره تقلید با روند حسی - حرکتی و روند تجسمی. تقلید در این دوره را با تمام مراحلش

می توان همان "محاکات" دانست. چرا که تقلید کودک در این دوره عاری از هرگونه فهم و تمیز است. هرچه را از اطرافیان مشاهده کند بی درنگ و ناخودآگاه انجام می دهد. مثلاً اگر آنها را خندان ببیند فوراً بدون داشتن هیچ تعبیر و تفسیری می خندد. محاکات

بوگاسون" است که تقلید را یک مکانیزم حرکتی - ادراکی می دانست. وی و پیروانش معتقدند: مکانیزمی که سایر فعالیتهای را در ما ایجاد می کند و در ابتدا جنبه حرکتی و ادراکی دارد، تقلید را نیز موجب می شود. البته این دیدگاه از جانب اکثر روان شناسان غیرقابل قبول است.

دیدگاه دیگر درباره ماهیت تقلید، نظریه "برون سازی" (۶) است. فرد در برخورد های خود با محیط، معمولاً چیزی را کسب می کند یعنی با فراهم ساختن تصویری از یک موقعیت آن را در رفتار خود منعکس می سازد. این جریان را "برون سازی" می نامند. از این نظر - گاه، برون سازی فعالیتی است که به انطباق با شرایط محیط می انجامد و تقلید از این قسم است. "ژان پیاژه" روان شناس معروف، در نظام روان شناختی ای که برای تحول روانی انسان ترسیم کرده، تقلید را از مقوله برون سازی می - شمرد.

مراحل تقلید:

تفاوت تمایلات و نیازها و رفتارهای انسان در مراحل سنی مختلف مطلبی غیر قابل انکار است. بدین لحاظ، تقلید که از آغاز تا پایان زندگی انسان مشهود است، در گذر مراحل مختلف حیات، حالات و جنبه های متفاوتی به خود می گیرد. این مراحل و تفاوت میان آنها را بایستی بخوبی شناخت تا بتوان در هر مرحله، زمینه را برای بهترین و مفیدترین تقلیدها فراهم ساخت.

پارمائی از روان شناسان بر این عقیده اند که تقلید به معنای عام آن سه مرحله دارد. به بیان دیگر فرایند تقلید دارای تحولی است که در طی

از لحاظ عملی، تحولی که به طور آشکار در رفتار کودک ایجاد می شود اینست که قادر به استدلال برای فعالیتهای خود می گردد. او با آگاهی کافی از صحت و درستی عملی که انجام داده است، آن را تکرار می کند. از میان افعال دیگران، بهترین آنها را انتخاب و با اقامه دلیل از آن پیروی می کند. این حالت را که با آگاهی کامل و علم و عمد همراه است "اقتباس" می نامند. در اقتباس تمامی جوانب امر سنجیده می شود و آن گاه در صورت وجود مصلحت، تقلید صورت می گیرد. بدین ترتیب روشن می شود که در تقلید همراه با نوعی آگاهی و نیز در اقتباس علم و آگاهی دخالت دارد و تنها در محاکات است که از عنصر آگاهی خبری نیست.

با توجه به هریک از مراحل و دوره های فوق و با عنایت کافی به خصوصیات هر دوره، لازم است الگوهای مناسب و درخور به افراد مستعد و به جامعه ارائه گردد تا انسانها در هر مرحله سنی که هستند بتوانند تربیتهای صحیح را از طریق مشاهده آنها فرا گرفته، حرکتی مستمر را به سوی رشد و تعالی صورت بخشند.

با تویس ها:

۱- محمود منصور، روان شناسی ژنتیک، تحول

روانی از کودکی تا پیری، انتشارات رز، صفحه

۲۴۹

۲- اتو کلاین برگ، روان شناسی اجتماعی، جلد

۰۲ ص ۲۹۴

۳- محمد تقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از

دیدگاه قرآن، ص ۲۱۲

۴- محمود منصور، روان شناسی ژنتیک، ص ۲۰۲

۵- همان ماء خذ، ص ۱۹۵

6 - accommodation

۷- محمود منصور، روان شناسی ژنتیک، ص

۱۹۶-۱۹۹

۸- ر.ک. ق، و اتقی، امام، الگویت، ص ۱۱۲

۹- مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه

قرآن، ص ۲۱۲

عبارتست از هم رنگ و همراه شدن با دیگران بدون دخالت عنصر آگاهی. محاکات در روان شناسی اصلی مسلم است و در تربیت نیز کاربرد دارد. بنابراین دوره تقلید باروند حسی - حرکتی همان دوره محاکات است که گونه های از گونه های تقلید به شمار می رود (۸). توجه به این نکته جالب است که اگر ملاک تشخیص این نوع تقلید را عدم وجود آگاهی و یا ضعف آن بدانیم، بنابراین ممکن است فرد بزرگسال نیز با پیروی ناآگاهانه از الگویی گرفتار تقلید بدون آگاهی و در چهار چوب حسی - حرکتی گردد.

دوره دوم، از دوسالگی تا هفت سالگی:

در این دوره، تقلیدها از چهارچوب حسی - حرکتی جدا شده، جنبه جسمی می یابند و بیشتر در فعالیتهایی که جنبه تخیلی دارند به چشم می خورند. در بسیاری از بازیها وقتی که از سازندگی یا تخیل برخوردار باشند و نیز در بازیهای رمزی، از تقلید استفاده می شود.

به بیان دیگر، این دوره مرحله ای از تحول تقلید است که فرد رفتار دیگری را با آگاهی اجمالی، اندک و ناکافی تقلید می کند، مانند کودک خردسالی که به منظور تشبه به بزرگترها کارهای آنها را تکرار می کند، بدون آن که غرض و غایت آنها آگاه باشد. این نوع تقلید را "تقلید بالمعنی الاخص (۹)" نامیدماند.

دوره سوم، هفت سالگی به بعد:

در این دوره فرایندهای عقلی تحول بیشتری پیدا کرده، جنبه عملیاتی به خود می گیرند و تقلید کاملاً جنبه تعقلی پیدامی کند. کودک در این مرحله به نحوی از تقلید بهره می گیرد که تابع مسائل اصلی هوش باشد.